

روزهای ابتدای اسفندماه بود که پایگاه اطلاع رسانی دفتر هیئت دولت از آماده شدن لایحه جامع انتخابات در ۱۵۶ ماده و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی برای تصویب نهایی خبر داد. لایحه‌ای که دولتی‌ها هدف از طراحی آن را حذف نفوذات‌های غیرضروری در فرآیندهای برگزاری انتخابات و تأمین داد حق انتخاب شهروندان، تضمین هرچه بیشتر سلامت انتخابات، شفاف ساختن وظایف اجرایی و نظارتی، ساماندهی روند برگزاری انتخابات و جلوگیری از اتلاف وقت و تصبیع امکانات کشور، نظاممند ساختن تبلیغات انتخابات و شیوه ورود داوطلبان به عرصه انتخابات اعلام کرده‌اند.

اما ناگاهی به برخی مواد این لایحه نشان‌دهنده نفوذ سند ۲۰۳۰ به آن است. سید سلمان سامانی، سخنگوی وزارت کشور در تشریح ویژگی‌های لایحه جامع انتخابات درباره سهمیه‌بندی جنسیتی کرسی‌های مجلس اعلام کرد:«حزب ملی و جبهه‌ها باید در زمان انتخابات حداقل یک ششم از جمع نامزدهای معرفی شده خود در سراسر کشور را به رزنا اختصاص داده و در حوزه‌های انتخابیه دارای سه نماینده حداقل یک نفر از زنان، در حوزه‌های انتخابیه دارای چهار و پنج نماینده حداقل دو نفر از زنان و در حوزه‌های انتخابیه ۶ نماینده و بالاتر حداقل یک‌سوم کرسی‌های آن حوزه انتخابیه را از بین زنان معرفی کنند.» اما این جنبه‌بای ک‌سوم از کجا وارد ادبیات سیاسی برخی مسئولان دولتی شده است؟

بازهم پای سازمان ملل در میان است
جولای ۲۰۱۰ بود که شورای ان سازمان ملل متحد» که خواستی آن گویا تمامی ندارد دست به طرح اجرای ساختارهایی زد تا این مورد از سند ۲۰۳۰ به سرعت به مرحله اجرا در آید.
فروردین سال جاری بود که معصومه

ردپای سند ۲۰۳۰

این بار در سهمیه‌بندی جنسیتی مدیریت‌ها!

جمله‌نقش‌های اصلی نهاد زنان می‌توان به حمایت از نهادهای بین دولتی مانند کمیسسیون مقام زن(CSW) به منظور تنظیم سیاست‌ها،استانداردهای و هنجارهای جهانی در زمینه برابری جنسیتی اشاره کرد. همان شاخص‌هایی که به گفته زهرا آیت‌اللهی،رئیس‌شورای فرهنگی اجتماعی زنان؛ «وقتی در جلسه از شاخص‌های عدالت جنسیتی صحبت شد،رئیس‌جمهور خواستند تا شاخص‌های عدالت جنسیتی بر اساس شاخص‌های جهانی تنظیم شود. در واقع تعیین شاخص‌های عدالت جنسیتی بر مبنای شاخص‌های موجود بین‌المللی از سوی شخص رئیس‌جمهوری مطرح شد.»

«جهاد زنان سازمان ملل متحد» با طرح استراتژیک ۲۰۱۷-۲۰۱۴ بر ضرورت تغییر بازی به نوع نفع زنان و دختران و تحقق این امر از طریق اجرای کامل قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌ها، قوانین و طرح‌های موجود تأکید دارد. براساس فصل اول این طرح با عنوان «رهبری و مشارکت سیاسی زنان در تصمیم‌گیری در تمام سطوح» آمده است: «رهبری و مشارکت سیاسی زنان در کلیه سطوح از محلی تا جهانی محدود بوده و حضور زنان در انتخابات، مناصب اصلی، خدمات مدنی، بخش خصوصی و دانشگاهی،کنترک است که این وضعیت در تضاد با حق مشارکت برابر زنان

یکی از حوزه‌ها که اما از دید کارشناسان بسیاری مخفی ماند اقدامات گسترده وی در حوزه زنان بود. به نوشته اکونومیست، محمد بن‌سلمان هدف خود از اجرای این سند را افزایش مشارکت زنان در ۱۵ سال آینده و رساندن آن از میزان ۲۲ درصد به ۳۰ درصداعلام کرده است.نشان دهنده که در مقابل دیدگاه مذهبی وهایی که بر اصلاحات در عربستان سایه سنگینی افکنده است، مقاومت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که عدد ۳۰درصد به صورت اتفاقی در ادبیات فعالان حوزه زنان رایج نشده، بلکه این رقم بخشی از دستورات طراحان سند ۲۰۳۰ است.
با توجه به متن لایحه جامع انتخابات و تأکید غیر کارشناسی بر سهمیه‌بندی حضور زنان در انتخابات، گویا دولت قانع بود و حق سلبایر زنان شایسته را از بین برد و اگر احیاناً درصد این زنان کمتر از این مقدار باشد چرا باید امور جاری کشور قربانی عدد و ارقام دیکته شده توسط نهادهای بین‌المللی شود؟
شایسته‌سالاری فارغ از نگاه جنسیتی سال‌هاست که توسط جریان‌های دلسوز حوزه زنان و نیز صدمات فعالیت‌های معاونین ملیتی امروز این را بخواده ریاست‌جمهوری نداشته است.

در چهل سال اخیر نماینده،مدیر کل و حتی وزیر زن در حکومت دموکراتیک می‌باشد.» در بخشی از این فصل و براساس نتایج ارائه شده از سوی کشورهای عضو به نهاد زنان، رقم ۲۰درصد به عنوان معیار سنجش در نظر گرفته شده است و اعلام شده که «۶۰ کشور دارای ۳۰درصد یا بیشتر نماینده زن در پارلمان و همچنین ۵۰ کشور دارای ۲۰درصد یا بیشتر عضو زن در کابینه هستند.»

یکی از مواردی که در موضوع «برابری جنسیتی» به شدت بر روی آن تأکید می‌شود بحث حضور مساوی زنان و مردان در مناصب دولتی است و به اصطلاح از بین بردن سقف شیشه‌ای است. این مورد به حدی از دید طراحان سند ۲۰۳۰ مهم بود که در تدوین سند «توسعه پایدار ۲۰۳۰» که شامل ۱۷ ارسمان و ۱۶۹ هدف بود و به امضای ۱۹۳ اعضای مجمع عمومی رسیدی نیز لحاظ شد و در برنامه‌های پیشنهادی برای پسا ۲۰۱۵ که برای همه کشورهای جهان ارائه شد در کنار زوددن فقر و مهار تغییرات آب و هوایی، نبرد با نابرابری ظرف ۱۵ سال آینده را به عنوان هدف اصلی این سند اعلام کرد.

بنابراین در بند پنجم از آزمان‌های این سند تحت عنوان «تأمین برابری جنسیتی و توانمند کردن همه زنان و دختران» به طور صریح به موضوع تأمین برابری جنسیتی پرداخته شده است و یکی از مصادیق برابری جنسیتی حضور زنان در اشتغال و تصاحب پست‌های مدیریتی و از بین بردن سقف شیشه‌ای است.

بالاقصه معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری که خواستی آن گویا تمامی ندارد دست به طرح اجرای ساختارهایی زد تا این مورد از سند ۲۰۳۰ به سرعت به مرحله اجرا در آید. فروردین سال جاری بود که معصومه

اینگبار در سفر تو روزه خود به سوئد و در دیدار با مدیر اجرایی نهاد زنان سازمان ملل و مدیر کل آژانس تخصصی حوزه زنان، از اختصاص سهمیه ۳۰ درصدی مدیریتی به زنان خبر داد. همچنین اینگبار اواخر سال ۹۶ نیز از ابلاغ سند ارتقا زنان و خانواده به سراسر کشور خبر داد که بر مبنای آن و براساس نگاه رئیس‌جمهور در عدالت جنسیتی، باید ۳۰درصد پست‌های ستادی در اختیار بان‌ها قرار گیرد.

«بن‌سلمان» نیز به دنبال احیای ۳۰ درصدی مدیریت زنان است
سال ۹۶ بود که به یکباره اخباری مبنی بر افزایش آزادی‌های اجتماعی در عربستان منتشر شد. اعطای حق رأندگی به زنان، برگزاری کنسرت‌های آمریکایی و شهرهای این کشور و نهایتاً تلاش برای تبدیل این کشور به لاس‌وگاس منطقه با راهاندازی قمار خانواد متعدد در ریاض و سایر شهرهای مهم. روندی که برخی اصلاح‌طلبان نیز با ذوق‌زدگی موجان شده بودند و برخی حتی در فضای مجازی آرزو کردند تا چنین فضایی در کشور به راه یفتند.

رای و به دست آوردن کرسی ریاست جمهوری بسیاری از وعده‌های خود در این حوزه را عملی نکردند، وعده‌هایی همچون به‌کارگیری زنان در سطح وزیر! این در حالی است که در ۲۰۳۰ در این کشور است.

اجتماعی

یکی از حوزه‌ها که اما از دید کارشناسان بسیاری مخفی ماند اقدامات گسترده وی در حوزه زنان بود. به نوشته اکونومیست، محمد بن‌سلمان هدف خود از اجرای این سند را افزایش مشارکت زنان در ۱۵ سال آینده و رساندن آن از میزان ۲۲ درصد به ۳۰ درصداعلام کرده است.نشان دهنده که در مقابل دیدگاه مذهبی وهایی که بر اصلاحات در عربستان سایه سنگینی افکنده است، مقاومت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که عدد ۳۰درصد به صورت اتفاقی در ادبیات فعالان حوزه زنان رایج نشده، بلکه این رقم بخشی از دستورات طراحان سند ۲۰۳۰ است.
با توجه به متن لایحه جامع انتخابات و تأکید غیر کارشناسی بر سهمیه‌بندی حضور زنان در انتخابات، گویا دولت قانع بود و حق سلبایر زنان شایسته را از بین برد و اگر احیاناً درصد این زنان کمتر از این مقدار باشد چرا باید امور جاری کشور قربانی عدد و ارقام دیکته شده توسط نهادهای بین‌المللی شود؟
شایسته‌سالاری فارغ از نگاه جنسیتی سال‌هاست که توسط جریان‌های دلسوز حوزه زنان و نیز صدمات فعالیت‌های معاونین ملیتی امروز این را بخواده ریاست‌جمهوری نداشته است.

در چهل سال اخیر نماینده،مدیر کل و حتی وزیر زن در حکومت دموکراتیک می‌باشد.» در بخشی از این فصل و براساس نتایج ارائه شده از سوی کشورهای عضو به نهاد زنان، رقم ۲۰درصد به عنوان معیار سنجش در نظر گرفته شده است و اعلام شده که «۶۰ کشور دارای ۳۰درصد یا بیشتر نماینده زن در پارلمان و همچنین ۵۰ کشور دارای ۲۰درصد یا بیشتر عضو زن در کابینه هستند.»

یکی از مواردی که در موضوع «برابری جنسیتی» به شدت بر روی آن تأکید می‌شود بحث حضور مساوی زنان و مردان در مناصب دولتی است و به اصطلاح از بین بردن سقف شیشه‌ای است. این مورد به حدی از دید طراحان سند ۲۰۳۰ مهم بود که در تدوین سند «توسعه پایدار ۲۰۳۰» که شامل ۱۷ ارسمان و ۱۶۹ هدف بود و به امضای ۱۹۳ اعضای مجمع عمومی رسیدی نیز لحاظ شد و در برنامه‌های پیشنهادی برای پسا ۲۰۱۵ که برای همه کشورهای جهان ارائه شد در کنار زوددن فقر و مهار تغییرات آب و هوایی، نبرد با نابرابری ظرف ۱۵ سال آینده را به عنوان هدف اصلی این سند اعلام کرد.

بنابراین در بند پنجم از آزمان‌های این سند تحت عنوان «تأمین برابری جنسیتی و توانمند کردن همه زنان و دختران» به طور صریح به موضوع تأمین برابری جنسیتی پرداخته شده است و یکی از مصادیق برابری جنسیتی حضور زنان در اشتغال و تصاحب پست‌های مدیریتی و از بین بردن سقف شیشه‌ای است.

بالاقصه معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری که خواستی آن گویا تمامی ندارد دست به طرح اجرای ساختارهایی زد تا این مورد از سند ۲۰۳۰ به سرعت به مرحله اجرا در آید. فروردین سال جاری بود که معصومه

دانشگاه‌های آمریکا در حال اجرا است که به گفته الکساندر اسولومون، استاد دانشگاه، درمان‌گر خانواده و از مجربان این طر،ح هدف آن ایجاد تغییر در معنای خانواده در جامعه آمریکا است. همانند طرح «زدواج سالم» که در دولت بوش پسر و با حمایت هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه به دنبال تغییر نگاه به زن و خانواده در این کشور بود.

اما همین کشورها در رابطه با سایرین به دنبال القای ضرورت تعیین سهمیه‌بندی جنسیتی و تقویت حضور زنان در عرصه عمومی جامعه و دور از محیط خانواده هستند. ضروری که باعث می‌شود طی چندین سال همان بحرانی که غربی‌ها به دنبال حل آن هستند، یعنی فروپاشی خانواده،گریبان‌گیر کشورها شود.

پشت پرده یک نظام تنبیهی در قالب حقوق زنان
اما برای فهم چرایی چنین سهمیه‌بندی بدون منطقی از سوی سازمان ملل برای کشورهای جهان باید به جدول اعتراضات و مذاکرات CEDAW (کمیته رفع تبعیض) نگاه کرد که توانسته است با استفاده از این اهرم، در امور داخلی کشورها دخالت مستمره داشته باشد. برخلاف ادعای مسئولان که پذیرش این کنوانسیون‌ها و اسناد را با شرط



سید درویشی

تحفظ اعلام کرده‌اند اما مروری بر این دخالت نشان‌دهنده خلاف این ادعا است. به عنوان مثال کمیته رفع تبعیض همه مایوه‌های غرب در متهم ساختن دیگران به یونسکو به خاطر غیر قانونی بودن روسپیگری در چین، در تبعیض جنسی در مدیریت‌ها در حالی است که به گزارش BBC در آمریکا که در دوره اولیاام پیشگام افزایش حضور زنان در عرصه مدیریتی کشورهای مختلف بود، میزان حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی ۱۹۶درصد بوده؛ یعنی پایین‌تر از اکثر کشورهای آفریقایی.

این تعارض در آمار آوا روی دیگری دارد که مجریان در کشور تمایلی به عمومی شدن آن ندارند. نگاه به سبک زندگی تبلیغی خانواده‌های مشهور در آمریکا و اروپا نشان‌دهنده تلاش این‌ها برای تبلیغ خانواده در محرو نقش زن است. تصاویر منتشر شده از خانواده ترامپ، خاندان‌های سلطنتی اروپا و نقش عمومی همسران سران اتحادیه فدراتی سازمان ملل دید خاندان مرقوف و یک مادر نمونه بخشی از این تلاش‌ها برای ارائه یک تصویر جدید از زن است.حقیقتی که می‌توان آن را تقویت عنصر خانواده با محوریت زن دانست که خود غربی‌ها نیز مدت‌ها است که از این باعتراف کرده‌اند و دنبال آن هستند؛ به عنوان مثال ۱۴ سال است که برنامه‌ای به نام «زدواج ۱۰۱» در

ظرفیت بی‌بدیل گردشگری شهری در توسعه اجتماعی و اقتصادی

مینا مرادی
توجه به گردشگری امروزه در اقتصاد به عنوان یک مؤلفه بسیار مهم در روند توسعه محسوب می‌شود به گونه ای که در مقیاس گوناگون سعی می شود که با جذب گردشگر در چارچوب عرضه محصول گردشگری که پردازش شده هر محیط می باشد روند مستمتری را از جریان درآمد و ایجاداشتغال به وجود آورد.

امروزه افزایش روند شهرنشینی و هجوم جمعیت به شهرها تقریباً در همه نقاط جهان و در همه کشورها امع از پیشرفته و درحال توسعه به یک واقعیت غیرقابل انکار تبدیل شده، گرچه این پدیده در همه نقاط نتایج یکسانی به همراه نداشته است.

در این میان، بافت تاریخی، مناطقی واقع در بخش های قدیمی شهرهاست که تا پیش از قرن حاضر، یعنی شروع شهرنشینی جدید، سطح شهر را تشکیل می دادند. اینگونه بافت‌ها که در زمان حاضر در مرکز شهرها واقع اند، جایگاه و موقعیت ویژه‌ای در شهر دارند. بازارهای سنتی شهری به عنوان مراکز داد و ستد و بناهای با اهمیت دیگر مانند مراکز مذهبی در این بافت‌ها واقع شده‌اند. از دیدگاه میراث فرهنگی هر بافت شهری که حدود صد سال یا بیشتر قدمت داشته باشد بافت تاریخی است، اما ارزش‌های تاریخی که مردم برای یک بافت شهری خاص در نظر گرفته‌اند نیز مهم است، برای مثال بافتی بیش از ۶۰ یا ۷۰ سال قدمت نداشته باشد منزل آمده، مخیمه(ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و یا خانه استاد شهریار، اما دارای ارزش‌هایی باشد که آن را برای مردم شهر با اهمیت می سازد.

هویت و حیات بافت تاریخی با سازمان محیطی آن تعریف می شود؛ یعنی کلیتی یکپارچه که به عنوان سیستم کار می کند و تهدید اصلی علیه آن، مخدلات ناآگاهانه و نابخردانه انسان است. بافت قدیم مجموعه به هم پیوسته ای از اجزاء و عناصر شهری، شامل واحدهای مسکونی اعم از فرسوده، مرمتی و تخریبی، آثار با ارزش تاریخی، بازارها، تاسیسات، شبکه معابر، شیوه معماری و کالبد ویژه ای است که محصول رشد تدریجی و کارگنایک شهر در ادوار تاریخی مبتنی بر تکنولوژی حمل‌ونقل ماقبل صنعتی بوده و دارای ساخت فضایی متمایزی از لحاظ کارکرد و سیما نسبت به بخش های جدید شهری است، لذا سازگاری چندانی با شرایط اجتماعی اقتصادی عصر حاضر به ویژه تکنولوژی حمل‌ونقل نداشته و دسترسی سواره، شبکه تنگ معابر، کمبود فضای سبز، آموزشی و فرسودگی از مشکلات عمده آن است.

در اوایل دهه ۴۰ رشد شهرهای ایران سریع‌تر از دهه های پیشین و در اطراف بافت قدیمی آغاز شد و در ابتدا این رشد معمول در اطراف خیابان هایی که عناصر جدید را به شهر متصل می کرد صورت می گرفت و اگر در اطراف شهرها عناصر جاذب طبیعی، تاریخی و مذهبی وجود می داشت، شهر به طرف آنها نیز گسترش می یافت. تقاضا برای سفر به شهرها از دهه‌های اخیر تاکنون به طور روز افزونی در حال افزایش است.

شهرها مقاصد مهم گردشگری

نواحی شهری به علت آنکه جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری دارند غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌شوند. شهرها معمولاً جاذبه‌های متنوع و بزرگی شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر، استادیوم‌های ورزشی، پارک‌ها، شهرپایز، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان هایی مربوط به حوادث مهم یا افراد مشهور را دارا هستند که خود گردشگران بسیاری را جذب می‌کند. علاوهبر این حتی در صورتی که جاذبه‌های گردشگری در مناطق غیرشهری واقع باشند از آنجا که شهرها به پیرامون خود خدمات می‌دهند در رابطه با گردشگری قرار می‌گیرند، لذا تمیز زیادی از امکانات گردشگری در شهرها متمركز می‌شود. به عبارتی دیگر محل سکونت، سرو غذا، ارتباطات، حمل‌ونقل و سایر خدمات گردشگری در شهرها واقع‌اند که بازدیدکنندگان از مناطق اطراف شهر و خود شهر از آنجا استفاده می‌کنند.

محیط‌های شهری از دو نظر در صنعت گردشگری اهمیت دارند، از یک سو کانون‌های شهری به لحاظ تمرکز جمعیت در آنها و فشارها و خستگی‌های ناشی از کار و فعالیت به عنوان مبدأ مسافرت‌های گردشگری محسوب می‌شوند و از سوی دیگر بعضی از شهرها به علت وجود امکان فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و ارتباطی، فراغتی و جاذبه‌های تاریخی و گردشگری به عنوان مقصد مسافرت‌های گردشگری نیز به شمار می‌آیند.

گردشگری شهری از حمله پدیده‌های جدید شهری است که زمینه ساز یک سری از رفتارهای اجتماعی با توجه به ویژگی‌های شهری می‌باشد، الگوی رفتاری گردشگران در شهر تابعی از الگوهای فضای شهری است که به عنوان جاذبه‌ها و خدمات شهری تعریف می‌شود. یکی از موارد مورد توجه گردشگران، فضاهای تاریخی در شهرها است، فضایی که با توجه به بافت آن به عنوان یک چالش بزرگ در جهت توسعه تاریخی از آن نام برده می‌شود و اغلب برنامه ریزان شهری در حفظ، بازسازی و احیاء و یا توسعه آن با مشکل مواجه بوده‌اند.



گردشگری شهری بخش جدایی ناپذیر از خدمات شهری مورد نیاز شهروندان دائم و غیردائم آن را تشکیل می دهد و هر یک اساس در حیطه وظایف برنامه ریزی و مدیریت شهری واقع می‌شود از سوی دیگر گردشگری شهری با ارزش‌های محیط طبیعی و میراث فرهنگی و تاریخی هر شهر ارتباط تنگاتنگی دارد، که از این منظر، توجه به استقلال این امر در طرح‌های توسعه و عمران شهری ضروری می‌نماید.

گردشگری یکی از شاخص‌های مهم توسعه و عمران شهری

گردشگری شهری علاوهبر کیفیت و کمیت آن یکی از شاخص‌های مهم توسعه و عمران شهری به شمار می‌آید. برای تحقق گردشگری شهری می‌بایست هم زمان با رشد مکان‌ها و جاذبه‌های گردشگری درون و بیرون شهری و حومه ای، تسهیلات و تجهیزات گردشگری نیز به تناسب گردشگران فراهم شود.

اساسی ترین وجه از ویژگی‌های یک شهر برای توسعه گردشگری شهری، تأمین امنیت و نظم حاکم بر آن جامعه است و سپس جلوه‌های دیگر گردشگری. کاهش هویت اجتماعی و محیطی در شهرها و آلودگی شدید زیست محیطی، تأمین نیازهای اجتماعی و فرهنگی و، روانی، شهروندان را با سختی روبرو می‌سازد. این امر خود گسترش روحیه خرسندی، احساس تنهایی، زنده و فروش از شهرگریزی، شهرستیزی و آسیب‌های اجتماعی را سبب می‌شود. در این میان موضوع چگونگی گذران اوقات فراغت، تأمین امکانات و تسهیلات گردش و تفریح و ساماندهی فضای آن به محور اصلی برنامه ریزی شهری، طراحی محیط و مدیریت شهر تبدیل شده است.

اصولاً از گردشگری شهری به عنوان یکی از عوامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و رفاهی شهر و شهرنشینان یاد می‌کنند. نخستین شرط موفقیت شهر در توسعه گردشگری شهری، وجود زیرساخت‌های مناسب شهری و مدیریت عاقلانه و مدبرانه در عرصه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی و مانند این‌هاست.

کوشش‌های بسیار چشمگیری از سالیان پیش، از سوی مدیران شهری به منظور جذاب‌تر کردن مراکز شهری صورت می‌پذیرد و به همین جهت به تجدید زندگی مراکز شهری و ارائه نمای زیبایی از این مراکز اقدام می‌شود. این کوشش‌ها در درجه نخست برای جلب توجه و تأمین خواست‌های ساکنان شهرها صورت می‌گیرد، که البته جهانگردان نیز از این سلسله اقدامات رفاهی و زیباسازی بهره مند می‌شوند. تصاویر سه گانه مراکز شهری، گنجینه‌ها، نمایش‌های زنده و خرید و فروش از حمله جالب ترین جاذبه‌های شهری هستند که جهانگردان را به سوی خود می‌کشند.

اما یکی از نقاط ضعف در این خصوص آن استست که همواره در ووال موجود برنامه ریزی و مدیریت گردشگری در سطح کشور نوعی تعارض با اهداف برنامه ریزی و مدیریت شهری می‌شود، از یک سو، با توسعه روزافزون شهرها در کشور و افزایش جمعیت شهرنشین نیازهای تفریحی و گردشگری شهروندان به شدت رو به گسترش دارد ولی از طرف دیگر اختیارات قانونی و علمی شهرداری‌ها در عرصه بهره گیری از فضاهای فراغتی و توریستی بسیار محدود است از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به موارد ذیل‌اشاره کرد: عدم اختیارات مدیریت شهری در خارج از محدوده قانونی و حریم شهر، تعداد متولیان و نهادهای مسئول، جدایی میان وظایف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و تعاد مدیریت شهری، عدم وجود قوانین عام، مشترک و میان بخشی در زمینه گردشگری و!...! این درحالیست که در اغلب کشورها شهرداری‌ها باز گترین نقش را در توسعه گردشگری شهری دارند، چراکه شهرداری در ساماندهی و شکل‌دهی به شهر، مهم ترین دست‌انگست است و در اکثر کشورهای موفق در بحث گردشگری در واقع این مدیریت منسجم و هماهنگ شهری است که به فعالیت‌های مرتبط با جهت می‌شود، شهرداری‌ها در پرتو اختیارات و مدیریت قوی و هماهنگی که دارند، اقدامات جدی برای جذب گردشگران به عمل می‌آورند.

در عین حال می‌توان امیدوار بود تا با توسعه روزافزون زیرساخت‌های فرهنگی و امکانات زیربنایی، در بهبود درجه بیشتر توسعه گردشگری و ضایع مرتبط کوشش شود تا از این حوزه نیز به عنوان درجه‌ای مهم به سوی توسعه پرهیبربرای کرد.